از گوشه و کنار

طرح استیضاح وزیر آموزش و پرورش ثبت شد

عضو کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس از ثبت طرح استیضاح وزیر آموزش و پرورش در سامانه قانون‌گذاری مجلس و ارسال آن به کارتابل نمایندگان خبر داد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی احسان عظیمی‌راد، وی گفت: طرح استیضاح علیرضا کاظمی در ۲۰ محور تنظیم شده و برای جمع‌آوری امضای نمایندگان در سامانه مجلس قرار گرفته است. وی افزود: نحوه برگزاری امتحانات نهایی، خدشه به عدالت آموزشی، مشکلات استخدامی، مطالبات فرهنگیان و ضعف در اجرای سند تحول بنیادین از محورهای این طرح است. پس از تکمیل امضاها، طرح استیضاح باید مراحل قانونی و بررسی در کمیسیون تخصصی را طی کند.

ثبت ۲۰ مورد تب دانگی وارداتی از پاکستان

رئیس مرکز بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت اعلام کرد: شهرهایی که انتقال محلی تب دنگی در آنها اتفاق افتاده است، چابهار و کنارک بوده است. در سال جاری فقط ۱ مورد انتقال محلی از بندرعباس گزارش شده است. به گزارش ایلنا، قباد مرادی گفت: آمار بیماری تب دنگی در کشور بر اساس داده‌های نظام دیده‌بانی بیماری‌های واگیر، از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا ۵ مرداد ۱۴۰۵، تعداد ۱۰۰۶ مورد، شامل ۹۸۶ مورد انتقال محلی و ۲۰ نفر وارده از پاکستان بوده است. وی افزود: در شرایط کنونی ایران که انتقال محلی تب دنگی در چابهار، کنارک و بندرعباس گزارش شده است، مهم‌ترین راه پیشگیری، جلوگیری از گزش پشه آئدس و حذف محل‌های تکثیر آن است؛ بنابراین مردم، به‌ویژه در مناطق جنوبی، باید از مواد دافع حشرات، لباس‌های آستین‌بلند و توری در و پنجره استفاده کنند.

رئیس مرکز ملی اقلیم سازمان هواشناسی:

یک ال نینوی قوی در حال شکل‌گیری است

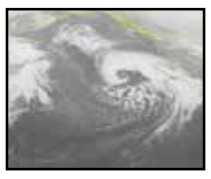

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور گفت: امسال به نظر می‌رسد که یک ال نینوی قوی در حال شکل‌گیری است. تخمین زده می‌شود که بارش‌های پاییز امسال بهتر از میانگین بلندمدت خواهد بود. برخلاف پاییز گذشته که بسیار گرم و خشک بود، امسال انتظار می‌رود پاییز نسبتاً مرطوبی داشته باشیم. به گزارش ایلنا، احد وظیفه افزود: وقتی منطقه قاره‌ای اقیانوس آرام دچار تغییرات دمایی می‌شود، به این معنا که از سطح آب تا عمق حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ متری، گردش آب و جهت بادهای سطحی تغییر می‌کند، در نتیجه دمای آب دچار نوساناتی می‌شود که علت دقیق آن هنوز به‌طور کامل شناخته‌شده نیست. وی ادامه داد: با این حال، این پدیده دارای دوره‌ای بین ۲ تا ۷ سال است؛ یعنی در این بازه زمانی، آب یک‌بار سرد و گرم می‌شود. در برخی سال‌ها، برای مثال طی یک یا دو سال، دمای آب گرم‌تر از حالت عادی است و پس از آن شرایط به حالت طبیعی بازمی‌گردد. وظیفه ادامه داد: برای مثال مشاهده می‌شود که طی دو یا سه سال، دمای آب سردتر از حالت معمول است. منظور از سرد و گرم شدن، انحراف نسبت به میانگین دمایی حدود ۲۶/۵ درجه سانتی‌گراد است. چنانچه دمای آب نیم درجه سردتر یا گرم‌تر از این میانگین شود، پدیده وارد فاز ال نینو یا لانینا می‌شود. در صورتی که سردتر شود، آن را «لانینا» (به معنای دختر کوچک در زبان اسپانیایی) و اگر گرم‌تر شود، آن را «ال نینو» (به معنای پسر کوچک یا پسر مسیح) می‌نامند.

جایگزین خشخاش آمد

مدیر کل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر از تدوین آیین‌نامه کشت شقایق الیفرا برای تأمین مواد اولیه داروهای مخدر پایه خبر داد و تأکید کرد که کشت خشخاش در دستور کار ستاد نیست. به گزارش ایسنا، سلیمان عباسی اظهار کرد: کاهش کشفیات مواد مخدر در سال‌های اخیر، تأمین مواد اولیه داروهای مخدر پایه را با محدودیت مواجه کرده است. این موضوع تنها به داروهای درمان اعتیاد محدود نمی‌شود و داروهای مورد استفاده در مراکز درمانی و بیمارستان‌ها را نیز در بر می‌گیرد. وی افزود: واردات این مواد نیز با محدودیت‌های بین‌المللی و سهمیه‌های تعیین‌شده از سوی نهادهای ذی‌ربط همراه است. از سوی دیگر، افزایش قیمت‌ها موجب شده واردات مواد اولیه و داروهای مخدر پایه هزینه ارزی قابل توجهی به کشور تحمیل کند. به همین دلیل، بخشی از نیاز کشور از محل کشفیات تأمین می‌شود و برای جبران کمبود باقی‌مانده، یا باید واردات انجام شود یا تولید داخلی مواد اولیه در دستور کار قرار گیرد.

سردار مجید هشدار داد:

برخورد قانونی با انتشار محتوای خشونت‌آمیز در فضای مجازی

رئیس پلیس فتای کشور از برخورد قانونی با انتشار محتوای خشونت‌آمیز، تحریک‌کننده و مروج ناامنی در فضای مجازی خبر داد. به گزارش ایسنا، سردار وحید مجید، بر رصد مستمر فضای مجازی تأکید و اظهار کرد: تولید، انتشار و اشتراک هرگونه محتوایی که شامل تحریک، ترغیب، تهدید، دعوت، فریب یا تسهیل شیوه ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز باشد و منجر به تشویش اذهان عمومی یا ایجاد ناامنی در فضای سایبر شود، جرم محسوب شده و با مرتکبین برابر قانون جرائم رایانه‌ای و سایر قوانین مرتبط برخورد قاطع خواهد شد. وی افزود: تولیدکنندگان محتوا باید آگاه باشند که محتوای منتشر شده در فضای مجازی، به دلیل سرعت بالای انتقال و قابلیت دسترسی گسترده، تأثیر مستقیم و عمیقی بر افکار عمومی جامعه دارد.

سردرگمی خانواده‌ها در میانه سه ماه سکوت شیلات، فرمانداری و وزارت امور خارجه؛

کدام نهاد پیگیر ۱۷ ملوان گم‌شده «شاهین ۲» است؟

سعیده علیپور

در روزهایی که دریای عمان زیر سایه جنگ، رفت‌وآمد نیروهای نظامی و آتش‌بسی شکننده روزگار می‌گذراند، لنج صیادی «شاهین ۲» با ۱۷ سرنشین از کنارک به دریا رفت و دیگر بازنگشت. آخرین تماس بامداد ۱۷ اردیبهشت برقرار شد. یکی از صیادان از حضور یک بالگرد آمریکایی و شلیک منور در نزدیکی مسقط خبر داد و دقایقی بعد، ارتباط قطع شد. از آن شب تاکنون نه اثری از لنج پیدا شده، نه خبری قطعی از سرنشینانش رسیده و نه مقام‌های مسئول توضیح داده‌اند که جست‌وجو دقیقا در چه محدوده‌ای انجام شده است؟ خانواده‌ها میان احتمال غرق‌شدن، گرفتار شدن در یک حادثه نظامی و بازداشت در یکی از کشورهای منطقه چشم‌انتظار مانده‌اند؛ احتمالاتی که هیچ‌کدام تایید نشده، اما سکوت طولانی دستگاه‌های مسئول نیز چیزی از اضطراب آنان کم نکرده است. گویی جان شهروندان عادی که ماجرایشان تنها به معیشت گره خورده و روایت قهرمانی پشت آن نیست برای کسی اهمیتی ندارد.

نزدیک سه ماه پس از آن شب، خانواده‌ها هنوز نمی‌دانند عزیزانشان غرق شده‌اند، در یک حادثه نظامی گرفتارند، به دست شناوری ناشناس نجات یافته‌اند یا در یکی از کشورهای منطقه بازداشت شده‌اند.

آخرین تماس در نزدیکی مسقط

لنج «شاهین ۲» برای صید در آب‌های اقیانوسی از کنارک حرکت کرده بود. خبرگزاری ایرنا و رسانه محلی رسانک، تاریخ حرکت را ۱۵ اردیبهشت اعلام کرده‌اند، اما حال‌وش، نخستین رسانه‌ای که خبر مفقودی را منتشر کرد، نوشته است که لنج ۱۳ اردیبهشت راهی دریا شده بود.

این اختلاف دو روزه در پرونده مفقودی یک شناور، که ساعت و روز حرکت می‌تواند در تعیین مسیر احتمالی لنج، بررسی جریان‌های دریایی، تصاویر ماهواره‌ای و داده‌های رادار نقش اساسی داشته باشد بسیار مهم است. با این حال، پس از گذشت چند ماه، هنوز یک روایت رسمی و یکپارچه از زمان حرکت، مسیر طی‌شده و آخرین مختصات شناور در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است.

بر اساس روایت‌های منتشرشده، ساعت حدود ۳۰ دقیقه بامداد ۱۷ اردیبهشت یکی از سرنشینان در تماس با خانواده خود از حضور یک بالگرد آمریکایی و شلیک منور خبر داده است. مشخص نیست این تماس از چه مختصاتی برقرار شده، آیا صدای دیگری در پس‌زمینه شنیده شده و آیا لنج پیش یا پس از تماس، هشدار یا پیام رادیویی دریافت کرده است.

پرتاب منور به‌خودی خود نشانه حمله یا توقیف نیست. منور ممکن است برای هشدار، تعیین موقعیت یا دور کردن شناورها استفاده شود. با این حال، هم‌زمانی قطع تماس با حضور یک بالگرد نظامی، پرسشی است که بدون دریافت پاسخ از نیروهای حاضر در منطقه نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت.

حتی اسامی صیادان هم یکسان منتشر نشده است

ابهام پرونده فقط درباره زمان حرکت نیست. حال‌وش هفتم خرداد نام ۱۷ سرنشین را منتشر کرد: حمید بلوچ، ناخدای لنج؛ مهران بلوچ؛ مهران رنجبر؛ عادل، خالد و محمد رزمی؛ عبدالله روزافزا؛ اسماعیل بکرای؛ رضا پیرایش؛ اقبال گنگداری؛ محمد رئیسی؛ جاسم، حامد و مهرزاد دهانی؛ مرادبخش نوحانی؛ فرید رزمی و سپاه رزمی.

بر اساس همین گزارش، اسماعیل بکرای ۱۶ ساله و فرید رزمی حدود ۱۷ سال داشته‌اند. سه عضو خانواده رزمی و سه عضو خانواده دهانی نیز هم‌زمان در این لنج حضور داشته‌اند؛ یعنی در بعضی خانه‌ها، سه پسر یک خانواده با یک لنج ناپدید شده‌اند.

> **حال جای سوال است که چطور ناپدید شدن ۱۷ انسان برای هفته‌ها در محدوده رسانه‌های محلی بلوچستان باقی ماند؟! نه اطلاعیه فوری و منظمی از سوی دولت منتشر شد و نه رسانه‌های بزرگ از همان روزهای نخست، پرونده را در دستور کار خود قرار دادند**

فهرستی که بعدتر ایرنا منتشر کرد، با این اسامی کاملا یکسان نبود. ایرنا از ۱۶ نفر نام برد و نفر هفدهم را خدمه‌ای اهل پاکستان معرفی کرد. نام سپاه رزمی در گزارش ایرنا وجود نداشت و املای بعضی نام‌ها نیز متفاوت است.

این تفاوت‌ها ممکن است ناشی از اشتباه در ثبت اسامی، نام مستعار یا اطلاعات اولیه خانواده‌ها باشد. با این حال، وقتی حتی تعداد، تابعیت و نام دقیق سرنشینان در گزارش‌های موجود یکسان نیست، طبیعی است که خانواده‌ها نسبت به شیوه پیگیری پرونده تردید کنند. هنوز مشخص نیست کدام نهاد فهرست نهایی سرنشینان را تأیید کرده و آیا اطلاعات هویتی آنان رسما برای کشورهای همسایه ارسال شده است یا نه.

خبری که نزدیک سه ماه در حاشیه ماند

بر اساس بررسی‌ها نخستین خبر منتشر شده درباره «شاهین ۲» هفتم خرداد، حدود سه هفته پس از قطع تماس، در حال‌وش منتشر شد. بیش از یک ماه بعد، رسانک دوباره از بی‌خبری خانواده‌ها نوشت و گزارش داد که آنان از مسیر شیلات، فرمانداری و دستگاه‌های مرتبط با وزارت امور خارجه موضوع را پیگیری کرده‌اند، اما پاسخ روشنی دریافت نکرده‌اند.

در سوم مرداد، روزنامه هفت صبح با تیتر «۸۰ روز بی‌خبری از ۱۷ صیاد ایرانی» ماجرا را به رسانه‌های سراسری رساند. چند روز بعد، ایرنا گزارش «قصه تلخ ۱۷ صیاد گمشده؛ انتظار بی‌پایان خانواده‌های کنارکی» را منتشر کرد. حال جای سوال است که چطور ناپدید شدن ۱۷ انسان برای هفته‌ها در محدوده رسانه‌های محلی بلوچستان باقی ماند؟! نه اطلاعیه فوری و منظمی از سوی دولت منتشر شد و نه رسانه‌های بزرگ از همان روزهای نخست، پرونده را در دستور کار خود قرار دادند.

در این میان بخش اصلی روایت‌های این ماجرا به کانال‌های تلگرامی و حساب‌های محلی محدود مانده است.

متهم این سکوت کیست؟ این سکوت را نمی‌توان فقط با کمبود اطلاعات توضیح داد. مقام‌های رسمی می‌توانستند بدون انتشار جزئیات امنیتی اعلام کنند جست‌وجویی انجام شده؟ با کدام کشورها مکاتبه شده؟ و چه نهادی مسئول پاسخ‌گویی به خانواده‌هاست. اما همین اطلاعات حداقلی نیز به‌صورت عمومی منتشر نشده است.

آیا ممکن است زنده باشند؟

نبود لاشه لنج، جسد یا وسایل سرنشینان، خانواده‌ها را امیدوار نگه داشته است. این امید قابل فهم است، اما پیدا نشدن لاشه لزوما به معنای زنده بودن صیادان نیست. دریا گاهی برای ماه‌ها یا حتی برای همیشه نشانی از یک شناور باقی نمی‌گذارد.

اگر لنج آسیب دیده و سرنشینان از همان روزها بدون کمک در آب‌های آزاد سرگردان مانده باشند، پس از این مدت احتمال زنده‌ماندن بسیار پایین است؛ حتی اگر شناور برای سفر طولانی آب، سوخت و غذا داشته باشد. بنابراین احتمال زنده‌بودن آنان بیشتر به دو سناریو گره خورده است: نجات به‌دست کشتی یا لنجی دیگر، یا بازداشت و انتقال به خاک یکی از کشورهای منطقه.

نزدیکی آخرین موقعیت اعلام‌شده به مسقط، نگاه‌ها را به عمان برده است. پلیس سلطنتی عمان در هفته‌های پس از ناپدیدشدن «شاهین ۲»، چند بار از بازداشت گروه‌هایی از «اتباع آسیایی» در قایق‌های ماهیگیری به اتهام ورود غیرقانونی خبر داده بود. در این اطلاعیه‌ها نام، تابعیت دقیق و تصویر بازداشت‌شدگان منتشر نشد.

در میان خانواده‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی این احتمال مطرح شده که صیادان شاید در عمان یا کشور دیگری بازداشت شده باشند. تا این لحظه هیچ سندی که این احتمال را تأیید کند منتشر نشده، اما تطبیق اسامی صیادان با فهرست بازداشتگاه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز نگهداری کشورهای منطقه، یکی از بدیهی‌ترین اقداماتی است که وزارت امور خارجه باید نتیجه آن را اعلام کند.

احتمال بازداشت از سوی نیروهای آمریکایی نیز مطرح شده است. این فرضیه عمدتا بر آخرین تماس و اشاره به بالگرد آمریکایی استوار است. اما مشاهده بالگرد و شلیک منور، به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که لنج توقیف یا هدف قرار گرفته است. برای روشن‌شدن این بخش از ماجرا باید مشخص شود کدام یگان نظامی در آن ساعت در منطقه حضور داشته و آیا اطلاعاتی از شناور ایرانی ثبت کرده است.

فرضیه دزدی دریایی هم گاه مطرح می‌شود، اما نشانه‌های معمول آن، مانند تماس برای دریافت پول، اعلام گروگان‌گیری یا واسطه‌شدن گروه‌های محلی، تاکنون دیده نشده است. ضمن اینکه آخرین موقعیت اعلام‌شده با مناطق اصلی فعالیت دزدان دریایی سومالی فاصله دارد. با وجود این، تجربه صیادان کنارکی که در سال‌های گذشته گاه برای مدتی طولانی در اسارت مانده‌اند، باعث شده خانواده‌ها این احتمال را نیز کاملا کنار نگذارند.

> **در میان خانواده‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی این احتمال مطرح شده که صیادان شاید در عمان یا کشور دیگری بازداشت شده باشند. تا این لحظه هیچ سندی که این احتمال را تأیید کند منتشر نشده، اما تطبیق اسامی صیادان با فهرست بازداشتگاه‌ها، بیمارستان‌ها و مراکز نگهداری کشورهای منطقه، یکی از بدیهی‌ترین اقداماتی است که وزارت امور خارجه باید نتیجه آن را اعلام کند**

> **متهم این سکوت کیست؟ این سکوت را نمی‌توان فقط با کمبود اطلاعات توضیح داد. مقام‌های رسمی می‌توانستند بدون انتشار جزئیات امنیتی اعلام کنند جست‌وجویی انجام شده؟ با کدام کشورها مکاتبه شده؟ و چه نهادی مسئول پاسخ‌گویی به خانواده‌هاست. اما همین اطلاعات حداقلی نیز به‌صورت عمومی منتشر نشده است**

وزارت خارجه چه کرده است؟

عجیب اینجاست که تاکنون وزارت امور خارجه، توضیح مستقیمی با نام «شاهین ۲» و ۱۷ سرنشین آن اعلام نکرده است بقائی، سخنگوی وزارت خارجه، پیش‌تر درباره دو صیاد دیگر که از اسفند در دریای عمان مفقود شده بودند، گفته بود موضوع از طریق معاونت کنسولی و سفارت ایران در عمان پیگیری می‌شود.

همین سخنان نشان می‌دهد وزارت خارجه کانال لازم برای پرس‌وجو از دولت عمان را در اختیار دارد. بنابراین طرح این سوال که آیا اسامی و تصاویر این ۱۷ نفر برای پلیس، گارد ساحلی، بیمارستان‌ها و بازداشتگاه‌های عمان ارسال شده است؟ بیجا نیست. هرچند ممکن است پیگیری‌هایی پشت درهای بسته در جریان باشد، اما حتی در آن صورت نیز دولت موظف است به خانواده‌ها بگوید پرونده در چه مرحله‌ای است. محرمانه‌بودن مذاکرات، دلیلی برای بی‌خبرگذاشتن خانواده‌ها نیست.

احتمال دیگری هم وجود دارد: هنوز هیچ دستگاهی مسئولیت کامل پرونده را نپذیرفته است. شیلات، سازمان بنادر، فرمانداری، نیروهای نظامی و وزارت امور خارجه هر کدام بخشی از اطلاعات را در اختیار دارند، اما خانواده‌ها نمی‌دانند در نهایت باید پاسخ خود را از چه کسی بخواهند.

شهروندان عادی، فقط در روز بازگشت مهم می‌شوند؟

در خبرهای رسمی، صیادان سواحل مکران معمولا با واژه‌هایی مانند تولید، امنیت غذایی، مقاومت و رونق اقتصادی توصیف می‌شوند. مقام‌ها هنگام بازدید از اسکله‌ها از زحمت آنان تقدیر می‌کنند و دوربین‌ها تصاویر لنج‌ها و تورهای ماهیگیری را ثبت می‌کنند. اما وقتی همان صیادان در دریا ناپدید می‌شوند، به‌نظر می‌رسد به حاشیه خبر رانده می‌شوند.

در روزهای پایانی تیر، سخنگوی دولت از اسکله سنگی کنارک بازدید کرد و با صیادان گفت‌وگو داشت، اما در گزارش رسمی این بازدید اشاره‌ای به خانواده‌های «شاهین ۲» نشد. شاید خانواده‌ها درخواست دیدار نکرده بودند، شاید موضوع در جلسه‌ای غیرعلنی مطرح شده یا شاید اساسا پرونده در دستور کار این سفر نبوده است. هرچه بوده، در خروجی رسمی سفر اثری از ۱۷ صیاد دیده نشد.

این همان احساسی است که در روایت خانواده‌ها و واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی تکرار می‌شود: شهروندان عادی زمانی در مرکز توجه قرار می‌گیرند که بازگشتشان بتواند به یک مراسم رسمی، تصویر قهرمانانه یا نمایش موفقیت سیاسی تبدیل شود. در روزهای انتظار، بلاتکلیفی و بی‌خبری، کمتر کسی صدای خانواده‌هایشان را می‌شنود.

ممکن است صیادان «شاهین ۲» جان باخته باشند. ممکن است در جایی بازداشت یا نجات داده شده باشند. ممکن است لنج در میانه ناامنی‌های نظامی آن روزها هدف قرار گرفته یا دچار حادثه شده باشد. فعلا هیچ‌یک از این احتمال‌ها تأیید نشده است.

گزارش

وقتی تاوان ناکارآمدی را کارگر می‌دهد!

بحران فرسایشی دادرسی‌های کارگری در سایهٔ پاک‌شدن سامانه روابط کار

تعویق ۵۰ روزه جلسات رسیدگی و پاک‌شدن کامل سوابق سامانه روابط کار، دادرسی‌های کارگری را با بحرانی فرسایشی مواجه کرده است؛ جریانی که کارگران را ناچار به شروع تمامی مراحل شکایت از نقطه صفر کرده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نص صریح قانون به عنوان نهادی تعریف شده است که رسالت اصلی آن صیانت از قوانین حاکم بر روابط کارگری و کارفرمایی و ایفای نقش سپر حمایتی قانون در دفاع از منافع کارگران است. با این وجود، شواهد میدانی و تجربیات تلخ جامعه کارگری نشان می‌دهد که این انتظار قانونی همواره محقق نمی‌شود. گویی کارگران در مسیر احقاق حقوق خود دوبار طعم تلخ ناامنی را می‌چشند و تنشان می‌لرزد؛ بار نخست زمانی است که با تیغ اخراج کارفرما مواجه شده و حقوق اولیه‌شان پایمال می‌گردد، و بار دوم هنگامی است که در راهروهای پرپیچ‌وخم ادارات کار سرگردان می‌شوند. در این بوروکراسی فرسایشی، حتی اگر کارگر پس از طی مسیری طولانی به حق قانونی خود دست یابد، گذر زمان و تورم افسار گسیخته، ارزش اقتصادی آن مطالبه را نابود کرده است.

در شرایط کنونی و متأثر از تبعات وضعیت جنگی و فشارهای مضاعف اقتصادی، این روند به گواه کارگران بسیار طولانی‌تر و طاقت‌فرساتر از گذشته شده است. موج فزاینده‌ی بیکاری، تعدیل نیروها و عدم پرداخت مطالبات معوقه، حجم مراجعات به ادارات کار را به شدت افزایش داده است. از سوی دیگر، بحران از دسترس خارج شدن سامانه وزارت کار در بهمن ماه سال گذشته و امحای بخش عظیمی از داده‌ها، ضربه مهلک دیگری بر پیکره این ساختار وارد کرد؛ به‌طوری که بسیاری از کارگرانی که در سال گذشته طرح دعوی کرده بودند، ناچار شدند تمامی مراحل فرآیند شکایت خود را از نقطه صفر آغاز کنند.

برای واکاوی دقیق‌تر این بحران، شناخت وضعیت کنونی مراجع حل اختلاف و بررسی روند پرالتهاب پیگیری مطالبات کارگران، به گفت‌وگو با «آرمین خوشوقتی»، کارشناس حقوق و روابط کار پرداخته‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

فقدان آمار رسمی و سردرگمی کارگران

آرمین خوشوقتی در ابتدای این گفت‌وگو در پاسخ به پرسشی درباره میزان دقیق طولانی‌تر شدن روند پیگیری دادخواست‌های کارگران (اعم از بازگشت به کار و بیمه بیکاری) به یک خلأ آماری عمیق و ساختاری اشاره کرد و اظهار داشت: «در حال حاضر آمار و ارقام مشخص، متمرکز و دقیق کشوری در این باره وجود ندارد. نه تنها بنده یا سایر کارشناسان و فعالان حوزه کار، بلکه خود وزارت کار نیز به دلیل پاک شدن کامل اطلاعات و داده‌های سامانه قبلی روابط کار در بهمن ماه سال گذشته، آمار اتکاپذیری از سوابق و وضعیت گذشته در اختیار ندارد؛ چرا که متأسفانه داده‌ها و اطلاعات این سامانه حیاتی در هیچ منبع، دیتابیس یا سرور پشتیبان (Backup) دیگری ذخیره نشده بودند.» این کارشناس حقوق و روابط کار با ابراز تأسف شدید از تبعات اداری، مالی و حقوقی این رویداد برای جامعه کارگری افزود: «متأسفانه با اتکای کامل سیستم اداری به این سامانه و نبود سوابق پشتیبان، چنانچه کارگری در گذشته شکایتی را به ثبت رسانده بود اما نسخه چاپی (پرینت) مدارک، پرونده، برگه دادخواست یا رأی خود را در اختیار نداشت، اکنون ناچار است تمامی مراحل شکایت، ثبت دادخواست، تشکیل پرونده و ارائه مستندات را با صرف زمان، هزینه و انرژی مجدد، دقیقاً از نقطه صفر آغاز کند که این موضوع بار اداری بسیار سنگینی را هم به سیستم دادرسی و هم به کارگرانِ متضرر تحمیل کرده است.»

افزایش چشمگیر زمان رسیدگی به پرونده‌ها؛ تعویق ۵۰ روزه جلسات در تهران

این کارشناس روابط کار با استناد به مشاهدات، پیمایش‌ها و تجربه عملی خود در پرونده‌های حقوقی و وکالت کارگران، از افزایش نگران‌کننده زمان دادرسی‌ها در مراجع کار خبر داد و گفت: «بر اساس مشاهدات و بررسی‌های عینی ما در پرونده‌های مختلف اداری و قضایی، زمان رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع حل اختلاف نسبت به گذشته بین یک ماه تا ۴۵ روز طولانی‌تر شده است. به عنوان یک نمونه ملموس و مشخص، در اداره کار شمیرانات تهران، پیش از این فاصله زمانی میان ارائه و تقدیم دادخواست تا تعیین وقت اولین جلسه رسیدگی بین ۲۰ تا ۲۵ روز بود، اما اکنون این مدت به حدود ۵۰ روز و نزدیک به دو ماه رسیده است. به طور کلی اگر بخواهیم ارزیابی جامع و میدانی داشته باشیم، در کل کشور شاهد افزایش ۲۰ تا ۴۵ روزه زمان رسیدگی به پرونده‌ها هستیم که این تأخیر برای کارگری که منبع درآمد خود را از دست داده و هیچ اندوخته‌ای ندارد، بسیار شکننده و آسیب‌زاست.»

سه‌گانه علل اطاله دادرسی در مراجع حل اختلاف کار

خوشوقتی در ادامه تحلیل کارشناسی خود، سه علت اصلی، ریشه‌ای و ساختاری را برای طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده‌های کارگری برشمرد و به تشریح دقیق آن‌ها پرداخت:

امحای اطلاعات سامانه و تثبیت ظرفیت هیئت‌ها: پاک شدن کامل اطلاعات سامانه روابط کار موجب شد حجم عظیمی از کارگرانی که پرونده‌شان در مراحل مختلف رسیدگی قرار داشت یا حتی برایشان رأی صادر شده بود اما نسخه چاپی آن را در دست نداشتند، دوباره اقدام به ثبت شکایت کنند. این هجوم و مراجعه مجدد در حالی رخ داد که تعداد هیئت‌های رسیدگی‌کننده (تشخیص و حل اختلاف) هیچ تغییری نکرد و ثابت ماند، اما تعداد مراجعان عملاً به دو برابر افزایش یافت و باعث ایجاد ترافیک سنگین و فلج کننده پرونده‌ها شد.

تعطیلات غیرمترقبه ناشی از شرایط جنگی: وقوع رویدادها، بحران‌ها و تعطیلات غیرمترقبه و اضطراری ناشی از شرایط جنگی، موجب عدم تشکیل جلسات هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف در مواعید مقرر گردید. خروجی مستقیم این تعطیلات، معطل ماندن پرونده‌ها، خارج شدن جلسات از نوبت و در نتیجه طولانی‌تر شدن موعد رسیدگی‌ها بود.

همزمانی با پایان سال و تعمیق بحران اقتصادی: در پایان هر سال، عدم تمدید قرارداد بخشی از نیروها امری رایج و متداول است، اما امسال به دلیل فشار مضاعف شرایط اقتصادی، تورم و بحران‌های حاکم بر کسب و کارها و بنگاه‌های تولیدی، موج تعدیل نیرو و قطع همکاری‌ها شدت بسیار بیشتری گرفت و تأخیر در پرداخت مطالبات معوقه کارگران افزایش یافت. این همزمانی باعث اتکای بیشتر و ناگزیر جامعه کارگری به ثبت شکایت برای دریافت مقرری بیمه بیکاری یا وصول مطالبات مالی‌شان شد.

تفاوت فاحش کیفیت رسیدگی در استان‌های کشور

این کارشناس حقوق کار درباره کیفیت صدور آرا، میزان بی‌طرفی و سرانجام پرونده‌های کارگری، با تأکید بر اینکه نمی‌توان یک حکم کلی و یکسان برای سراسر کشور صادر کرد، گفت: «نمی‌توان به‌صورت صریح و مطلق گفت که وزارت کار صرفاً به نفع کارگر یا صرفاً به نفع کارفرما رأی می‌دهد، بلکه کیفیت و جهت‌گیری رسیدگی را باید استان به استان و بر اساس عملکرد مراجع منطقه‌ای بررسی کرد.»

وی در ادامه با ذکر نمونه‌های ملموس جغرافیایی تشریح کرد: «به عنوان مثال، در استان خراسان رضوی هیئت‌های رسیدگی‌کننده به‌طور غالب نصّ صریح قانون را به دقیق‌ترین، عادلانه‌ترین و صحیح‌ترین شکل ممکن اجرا می‌کنند. با وجود آنکه آنان نیز با چالش کمبود منابع، حجم بالای پرونده‌ها و طولانی شدن فرایندها مواجه‌اند، اما بر اساس ارزیابی‌های میدانی از ۲۰ سال گذشته تاکنون، کیفیت رسیدگی بسیار بالایی داشته‌اند و آرایی که صادر می‌کنند کاملاً قانونی و کارشناسی شده است. اما در نقطه مقابل، در برخی ادارات شهر تهران مشاهده می‌شود که مراجع رسیدگی‌کننده، رویه‌ها، سلایق و نسخه‌های شخصی خود را وارد فرایند دادرسی کرده و از مسیر شفاف و نص صریح قانونی عدول می‌کنند.»

نقش کلیدی «آگاهی حقوقی» در احقاق حق

خوشوقتی راهکار اصلی و شاه‌کلید برون‌رفت از چالش‌های دادرسی و عدم تضییع حق را تسلط طرفین بر قوانین موضوعه دانست و تأکید کرد: «در تمامی استان‌ها چه استان‌هایی با کیفیت رسیدگی بالا و چه استان‌های با کیفیت پایین، هرگاه کارگر یا کارفرما به حقوق قانونی خود آگاه باشند و با مستندات قانونی وارد مراجع شده، توانسته است حق خود را در اداره کار یا در نهایت از طریق دیوان عدالت اداری احیا و ایفا کند.»

وی برای اثبات اهمیت حیاتی دانش حقوقی، به سه نمونه عینی و پرونده واقعی اشاره کرد:

کسب حق مرخصی زایمان توسط خانم خانه‌دار: خانم خانه‌داری که پس از زایمان با امتناع سازمان تامین اجتماعی از پرداخت حقوق و مبالغ قانونی دوران مرخصی زایمان مواجه شده بود، صرفاً با مطالعه دقیق قوانین، آئین‌نامه‌ها و آگاهی یافتن از حقوق مصرح خود، اقدام به شکایت کرد و موفق شد بدون داشتن وکیل، تمام حق و حقوق قانونی‌اش را دریافت کند.

شکست شرکت بزرگ خودروسازی به دلیل ناآگاهی: یک شرکت بزرگ خودروسازی کشور با وجود بهره‌مندی از امکانات عریض و طویل، و کلای متعدد و ساختار اداری قوی، صرفاً به دلیل عدم آگاهی کامل مدیران و نمایندگانش از تکالیف دقیق قانونی خود در برابر کارگران، پرونده حقوقی پرمخاطره‌ای را واگذار کرد.

موفقیت داروساز بدون تحصیلات حقوقی: یک داروساز که هیچ‌گونه تحصیلات آکادمیک حقوقی نداشت، تنها با مطالعه خط به خط و دقیق قوانین کار و تأمین اجتماعی و پیگیری مستمر، صبورانه و چندساله، موفق شد تمامی مطالبات مالی معوقه و سنگین خود را از کارفرما نقد کند.

این کارشناس روابط کار در خصوص شائبه‌ها و سلامت اداری هیئت‌های رسیدگی‌کننده صراحتاً اعلام کرد: «بنده به هیچ‌وجه وجود فساد سیستماتیک یا رشوه‌ساز سازمان‌یافته در هیئت‌های تشخیص و حل اختلاف وزارت کار را تأیید نمی‌کنم. اگرچه تخلفات فردی و خطاهای انسانی ممکن است در گوشه و کنار رخ دهد که در صورت پیگیری برخورد می‌شود، اما مسئله و چالش اصلی در هیئت‌ها، عدم دقت کافی یا ناآگاهی برخی اعضای هیئت‌ها از مواد و تبصره‌های قانونی است. در چنین شرایطی، اگر کارگر یا کارفرما نسبت به حقوق قانونی خود آگاه باشند، می‌توانند هیئت رسیدگی‌کننده را با ارائه مستندات، ادله منطقی و مواد قانونی قانع کرده و رأی عادلانه را دریافت کنند.»

وقتی «جغرافیا» بر مسند «قانون» می‌نشیند

حق کارگر، صدقه‌ای در دست دولت یا کارفرما نیست؛ خون‌بهای عرقِ جبین، تاولِ دست‌ها و رمقِ زانوانی است که در تفتیده‌ترین کارگاه‌ها و خطوط تولید، چرخ این سرزمین را می‌چرخاند. اما آنچه امروز در دالان‌های تاریک مراجع حل اختلاف وزارت کار می‌گذرد، پرده از یک «شکاف عمیق ساختاری» و یک «بیماری سیستماتیک» برمی‌دارد؛ بیماری مهلکی که موجب شده «عدالت اداری» نه یک حق همگانی و مصرح در قانون، بلکه یک «شانس جغرافیایی» باشد.